

از مسکده سرون

www.ketab.ir

مهنار سید جواد جواهری



انتشارات صباي الوند

تهران ۱۴۰۲

سرسامه	سید جواد جواهری، مهناز، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآور	از میکده بیرون تألیف مهناز سید جواد جواهری
مشخصات نشر	تهران نشر صبا الوند
مشخصات ظاهری	۱۳۴۴ هـ
وضعیت فهرست نویسی	آریا
موضوع	حافظ، شمس الدین محمد، ۷۸۴ق - سرگذشتنامه - نقد و تفسیر - دیوان - شعر فارسی - قرن ۸ ق - تاریخ و نقد
شابک	۸ - ۸۷۰ - ۲۲۲۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
رده بندی کنگره	۵۲۴۲ PIR س ۹ لف ۱۳۹۲۴
رده بندی دیویی	۱۳۲ فا ۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۸۸۴۱۲



انتشارات صبا الوند

- نام کتاب : از میکده بیرون
- ناشر : صبا الوند
- نویسنده : مهناز سید جواد جواهری
- ویراستار : رامین موسانی
- صفحه آرا : پروانه نصرالهی



چاپ سوم

۶۳۰۰۰۰ تومان

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر صبا الوند محفوظ است.
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر روش بدون
مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

نشر صبا الوند: تهران، شریعتی، خیابان سمیه، کوچه طباطبایی مقدم بن بست بهار پلاک ۶

تلفن - ۷۷۶۵۴۵۲۱

پست الکترونیکی: Sabayealvand@yahoo.com

Sababook1400@gmail.com

فهرست

۱	مقدمه
۴۱	۱. شیراز شهر باغشای گل و بلبل
۳۰	۲. طلوع ستاره همیشه فروزان، شمس‌الدین محمد حافظ
۳۵	۳. اولین سال‌های زندگی
۳۹	۴. سال‌های کودکی
۴۲	۵. مکتبخانه
۴۹	۶. اولین تجربه‌های استعداد
۵۳	۷. اولین بارقه‌های عشق
۵۶	۸. آغاز توفان
۶۳	۹. گرد یتیمی
۶۷	۱۰. شروع گرفتاری‌ها
۷۱	۱۱. کار در نانوائی
۷۹	۱۲. مرد شریفی به نام خواجه شرف‌الدین
۸۷	۱۳. وداع با نجم‌الدین خباز
۹۱	۱۴. رفتن به درسگاه استاد خواجه قوام‌الدین عبدالله
۹۷	۱۵. شاگردان ساعی و کوشا
۹۹	۱۶. آغاز دوران ناز

۱۷. باز هم توفانی دیگر ۱۰۶
۱۸. سرف‌الدین نیز شمس‌الدین را تنها می‌گذارد ۱۰۹
۱۹. و نای به عهد ۱۱۸
۲۰. آغاز حفظ قرآن ۱۲۱
۲۱. آزمون شاعری ۱۲۶
۲۲. تسم‌الدین محمد، حافظ قرآن ۱۳۱
۲۳. سربلند از آزمون ۱۳۴
۲۴. مردی به نام خواجه قوام‌الدین حسن تمغاجی ۱۴۴
۲۵. اسب ۱۴۹
۲۶. سفر به کازرون ۱۵۳
۲۷. شبی در گورستان ۱۶۱
۲۸. که عشق آسان نمود اول ۱۶۳
۲۹. روزهای عاشقی و شهادت ۱۷۷
۳۰. دولت شاه شیخ ابواسحاق ۱۸۳
۳۱. بیک خوش‌خبر ۱۸۹
۳۲. ملاقات با شاه ابواسحاق ۱۹۳
۳۳. خبری از کازرون ۲۱۰
۳۴. مجلس مشاعره در باغ وزیر بزرگ ۲۱۴
۳۵. شبی به راز و نیاز با پروردگار ۲۲۱
۳۶. دیدار تصادفی با یار شفیق و راز ناشنیده ۲۲۵
۳۷. خداوندگار چاره‌ساز ۲۲۹
۳۸. کار در دارالکتب ۲۳۵
۳۹. مزدهای خوش برای خاتون ۲۴۱
۴۰. مراسم خواستگاری ۲۴۴
۴۱. وصال محبوب ۲۴۷

۴۲	بار نازیس
۴۳	آغاز روزهای خوش
۴۴	قصر جدید شاه شیخ ابواسحاق
۴۴۰	مسافری کوچک
۴۶۷	گرمی بازار شایعات
۴۷۰	اولین دیدار با خواجوی کرمانی
۴۷۶	آشنایی با صوفیه
۴۸۵	غافل شدن از محبوب
۴۹۱	فراغ بار
۴۹۵	هفته‌ای به درازای یک قرن
۴۹۸	پایان فراق
۴۰۲	انتخاب شیخ ابوالوفای شیرازی به عنوان پیر راهنما
۴۰۵	سلام عید سال هفتصد و چهل و نه
۴۱۰	مسافر کوچکی به نام شاه اسماعیل (رود)
۴۱۶	راده و روش تازه
۴۱۹	آخرین دیدار با خواجوی کرمانی
۴۲۶	سر مست از جام ازلی
۴۳۰	وداع با خواجوی کرمانی
۴۳۵	پیر ناشناس
۴۴۱	یک چله‌نشینی به توصیه پیر
۴۴۵	وداع با پیر
۴۵۲	نوگلی دیگر
۴۵۷	مراسم جشن افتتاح قصر جدید و باشکوه شاه شیخ ابواسحاق
۴۶۹	بدرود با مادر نازنین
۴۷۳	گفت‌وگوی غیررسمی با شاه شیخ ابواسحاق

۳۹۳	۶۷. آدینه آخر با مردم
۳۹۹	۶۸. آخرین دیدار با خواجه قوام‌الدین حسن تمغاجی
۴۰۵	۶۹. روزهای پراضطراب
۴۰۸	۷۰. دیدار با تاش خاتون
۴۱۴	۷۱. پندی بی‌اثر
۴۱۹	۷۲. مقاومت شیراز در هم می‌شکند
۴۲۵	۷۳. سوختن آرزوها
۴۳۴	۷۴. قتل شاهزاده امیر علی سهل طفل بی‌گناه
۴۳۸	۷۵. باز هم شیراز در توفان
۴۴۰	۷۶. تسلط دوباره آل مظفر بر شیراز
۴۴۴	۷۷. اعدام شاه شیخ ابواسحاق در دروازه سعادت
۴۶۳	۷۸. دوران محبس
۴۶۹	۷۹. پندی دوستانه
۴۷۶	۸۰. فتنه‌ای در راه
۴۷۹	۸۱. روزهایی چند در محمودآباد
۴۸۴	۸۲. مشکلی برای شمس‌الدین
۴۸۸	۸۳. به دنبال راهی برای رهایی شمس‌الدین
۴۹۴	۸۴. رهایی شمس‌الدین از محبس
۵۰۰	۸۵. ایامی در محمودآباد
۵۰۳	۸۶. کابوسی تلخ
۵۰۶	۸۷. محسب هم نماند
۵۱۳	۸۸. بازگشت به شیراز
۵۱۶	۸۹. اولین دوران فرمانروایی شاه شجاع در شیراز و سرگذشت شکست او
۵۲۰	۹۰. فقدان شاهرخ
۵۲۳	۹۱. روزهای تلخ

مقدمه

حافظ سخن بگوی که بر صفحه جهان این نقش ماند از قلمت یادگار عمر

هرگز گمان نداشتم که لطف پروردگار مهربان چنین رایگان نصیبم گردد که روزی قلم به دست بگیرم و زندگانه مردی اهل دل چون خواجه شمس الدین محمد حافظ را که رخشنده ترین ستاره شعر و ادب ایران است به رشته تحریر درآورم. اثری که به عقیده این جانب نوعی ادای دین به قلم است که بر قلم نگار در دستم نهاده است.

من از روزی که قلم به دست گرفتم وظیفه جوشناسی آن مرا فرمان داد تا زمانی که دست بر قلم دارم، هر اندازه که در توانم است، سرگذشت یادشمندان گذشته چون حافظ را گردآوری کنم و در قالب کتاب های همه کس بخوان، بر کاغذ آورم تا آن را از دستبرد روزگار محفوظ دارم. انگیزه من از آن جهت بود که ما ایرانیان باید بدانیم که بودیم و چه خدماتی برای جهان و جهانیان انجام داده ایم و سرگذشت فرهیختگان ما چه بوده است. کسی که تاریخ ایران را نیک بداند و آثار فرهنگی گذشته را بشناسد و به آن دسترس داشته باشد، هرگز هویت خویش را فراموش نمی کند. مردم ایران شعر را دوست دارند، بویژه شعر حافظ را که چونان جریان سیال خنکای نسیم در خانه هر ایرانی راه دارد به طوری که در هر کاشانه ایرانی به جز قرآن گاه تنها کتاب موجود دیوان حافظ است. از این رو، سزاست دیوان حافظ را پس از قرآن مانوس با ذهن و زبان مردم ایران زمین معرفی کنیم. ما ایرانیان با شعر حافظ روح خود را در دنیایی دوست داشتنی پرواز می دهیم. نه تنها ما ایرانیان بلکه همه پارسی زبانان در عشق ورزی سوگواری ناپایداری دنیا دیوان او را می خوانند و گاه بیستی را ضرب المثل می زنند و حتی کودکان کوچک شعر هر چند ساده را از حفظ دارند و او را عارفی درد آشنا و مشاوری نیک برای تفأل یا همدردی خود در فراز و نشیب های زندگی می شناسند و، با استخراج ابیات

کلیدی از دل اشعارش، چنان تسکین می‌گیرند که صداها جمله، نصیحت و دارو انگونه تأثیر را ندارد و چنین به نظرشان می‌آید که حافظ عزیز آن شعر را، قرن‌ها پیش، با آگاهی از درون ایشان و تنها برای آنان سروده است. در جهان شعری حافظ از یک سو زندگی و دعوت به زیبایی‌های زندگی موج می‌زند و طبیعت به همدلی به انسان می‌رسد و از سوی دیگر، عرفان از آن می‌جوشد و بسیاری از واژه‌ها و ترکیب‌هایی که در شعرش به کار گرفته است رنگ و عطر عرفانی دارد، واژه‌هایی نظیر سالک و روندگان طریقت... او در شعر خود عرفانی وارسته از ریا و تزویر و ادعاهای دروغین را مد نظر دارد، افزون بر اینکه بعد شاعری او از بعد عرفانی‌اش برتر است. شاعری که همچون فیلسوفی نظام چهارچوبه مشخص فکری دارد و تنها به تناسب نیازهای مادی خود شعر نسروده و شعرش تنها وسیله برای امرار معاش نبوده است.

در تاریخ دیرینه سال فارسی، کسی را همچون حافظ سراغ نداریم که به این اندازه از شعر پیشینیان و معاصران خود بهره برده باشد و ترکیب‌ها و مضمون‌های آن‌ها را در شکل و شمایل لطیف و ظریف بنمایاند. کسی که شعر حافظ را می‌خواند اگر اندکی با شعر فارسی، بویژه شعر پیش از او، آشنایی داشته باشد، متوجه نکته‌ای مهم می‌شود و آن نکته تأثیرپذیری حافظ از شعر دیگر شاعران است. وی در دیوان شاعران گذشته تأمل داشته است. وی همه خوبی‌ها و هنرتمایی‌ها را که دیگران در شعر خود آورده‌اند در شعر خود یکجا جمع می‌کند و، بی آنکه مقلد هیچ یک از آن بزرگان باشد، از آن‌ها چه بسا پیش می‌گیرد و با توجه خاصی که در به کارگیری برخی ویژگی‌های خاص دارد، در یک بیت تناسب‌هایی ایجاد می‌کند و با رشته‌ای ظریف واژه‌های پیش را به نحوی به هم می‌بافد که در بسیاری از اوقات این بافت‌ها یکسویه نیست، بلکه چندوجهی است. او در گزینش الفاظ دقت و وسواس بسیار دارد و در پی آن است که حداکثر استفاده را از لفظ و معنای یک واژه ببرد، بی آنکه توجه او به واژه‌ها سبب شود تا معنا را در نظر نگیرد.

حافظ شاعری است که افزون بر استعداد ذاتی و طبع خداداد، در پهنه ادبیات دیرینه ایران تا امروز همتایی نداشته و زبان شعر او اوج پختگی و پرورده‌گی زبان پارسی در عصر خود و پس از آن است و ساختمان غزل‌های دیوانش به گونه‌ای است که بیشتر از غزل‌های هر غزلسرای دیگر استقلال، یعنی تنوع و تبعاد دارد و معراج ظرافت لفظی است و ضمن داشتن این ویژگی‌ها، متأثر از سوره‌ها و آیات قرآن است. غزل‌های او اوج ظرافت معنوی‌اش را پیموده است و موزون‌ترین ترکیب لفظ و معنی را در سرحد کمال عرضه می‌دارد و از این رو سزاوار است او را پادشاه نظم آرای قافیه‌سنج شعرا بنامیم. شاعری که تنها هنر او شعر نیست،